

## فشرده ای از تاریخچه جبهه ملی

### بخش ۳

آموزش و پرورش، نیروی کاردان و کارآزموده تربیت می کرد که باعث افزایش بازده کار و پایین آمدن بهای تمام شده فرآورده های تولیدی می گردید و این همه نه تنها کشور را از مدار بسته عقب ماندگی رهایی می بخشید، بلکه می توانست درآمد سرانه و تولید ناخالص ملی را در سطح بالا نگاهدارد.

با خودکفایی اقتصادی، برقراری آزادی، استقرار مردم سالاری، بطور طبیعی استقلال سیاسی واقعی کشور تأمین می گشت.

می دانیم که رضاشاه نیز به این اصل که از درآمد نفت باید در جهت ایجاد واحدهای تولیدی و صنعتی و گسترش شبکه راهها و سرمایه گذاریهای ملی استفاده گردد، عقیده داشت ولی متأسفانه به اصل آزادی و اینکه آزادیست که می تواند باعث شکوفایی استعدادها و پیشرفت و ترقی مملکت گردد و آنرا پایدار سازد اعتقاد نداشت.

از هم پاشیدگی ناگهانی و غافلگیرانه ارتش ایران در برابر هجوم و یورش بیگانگان در جنگ دوم گواه روشنی است که عدم آزادی و عدم مشارکت مردم در سازندگی ملی، پیشرفت های بدست آمده را به آسانی می تواند بر باد دهد.

از دست آوردها و پیشرفت های بدست آمده در دوران بیست و پنج ساله محمدرضا شاه زیاد شنیده و می شنویم و گفته می شود که مردم قدر آن دست آوردها را ندانستند و آنها را به آسانی از دست دادند.

بدون آنکه وارد این بحث شویم که در نظام و سامان مشروطه شاه نیست که حکومت می کند بلکه دولت های برگزیده مردمند که مملکت را اداره می کنند و بدون آنکه بخواهیم پاسخ استدلال آنها را بدهیم که می گویند، در دوران پادشاهان پهلوی مردم آمادگی لازم را برای آزادی و دموکراسی نداشتند و ساختارها و تأسیسات ایجاد و ماندگاری آزادی و مردم سالاری در ایران آن روز وجود نداشت که متأسفانه استدلال کسانی است که دانسته یا نادانسته هم محمد علی شاه را روسپید می کند و هم آیت الله خمینی را که فاتحه آزادی را در ایران خواند، باید این اصل مهم را باور داشت که در تمام جوامع بشری در درازای تاریخ مردم با تمام توان در حفظ و نگاهداری آنچه که خود در ساختن و پدید آوردنش دخالت داشته و سهیم بوده اند می کوشند.

حضور مردم در صحنه سیاسی و اجتماعی و اقتصادی کشور افزون بر همه امتیازهای مثبتی که دارد این امتیاز را هم دارد که مردم از آزادی خود، استقلال کشور و دست آوردهای ملی در برابر هر رویدادی حتی یورش بیگانه به سختی دفاع کرده و برای نگاهداری آن فداکاری می کنند.

تاریخ ما نشان داده است که مردم تنها در دوران هایی که از آزادی نسبی و عدالت اجتماعی برخوردار بوده اند از استقلال و موجودیت کشور و نیز از دست آوردها و آثار سازندگی فداکارانه دفاع کرده اند، خلاف آنچه که در دوران های خودکامگی و خفقان اتفاق افتاده است.

ادامه دارد

مصدق و سران جبهه ملی اعتقاد داشتند که با برگزاری انتخابات سالم، نمایندگان واقعی مردم به مجلس شورای ملی راه خواهند یافت و مجلس، دولتی را برای اداره امور کشور بر خواهد گزید که نماینده خواست و اراده اکثریت مردم باشد. دولتی که خود را خدمتگزار مردم بداند و بنا بر ماهیت مردمی و نیز برای بقای خود گامی جز در راه خدمت به مردم و در جهت پیشرفت مملکت و تأمین منافع ملی بر ندارد.

آنها همچنین عقیده داشتند که تحقق آزادی نه تنها باعث شکوفایی استعدادها خواهد شد، بلکه محیطی آزاد پدید می آورد تا عقاید گوناگون با هم تلاقی کرده باعث گسترش اندیشه و تفکر گردد. از این رو حاکمیت ملی را تضمینی برای تحقق و حفظ آزادی و آزادی را تضمینی برای استقرار و پابرجایی حاکمیت ملی دانسته و آنها را مانع و سد راه خودکامگی داخلی و استعمار می دانستند که می تواند برای همیشه به عمر حکومت های خودکامه و دست نشانده بیگانه در ایران پایان داده و نگذارد امور مملکت به دست، میل و اراده یک تن اداره گردد.

مصدق و سران جبهه ملی، وجود شرکت نفت ایران و انگلیس را در تضاد با استقلال واقعی کشور می دانستند و معتقد بودند با ملی کردن صنعت نفت در سراسر کشور از درآمد این ثروت خداداد نه تنها در جهت پیشرفت مملکت و سازندگی زیربنای اقتصادی استفاده خواهد شد بلکه باعث کوتاه کردن دست پنهان و آشکار عوامل خارجی و دست نشانندگان داخلی آنها می گردند. ملی شدن صنعت نفت مانع عقد قرارداد استخراج و فروش نفت کشور با هر دولت خارجی دیگر می شد که امکان داشت با گسترش نفوذ خود بساط استعمار دیگری را بر کشور تدارک ببینند.

درآمد حاصل از فروش نفت می توانست عامل بزرگ پیشرفت و ترقی حال و آینده کشور شود. مصدق مخالف آن بود که درآمد نفت صرف تأمین کسر بودجه دولت گردد و می خواست مملکت بدون سودبری از درآمد حاصل از فروش نفت اداره شود، از این رو معتقد به اقتصاد بدون نفت بود و درآمد نفت را تنها برای سرمایه گذاری در صنایع زیربنایی و ایجاد واحدهای تولیدی و گسترش بخش کشاورزی، سدسازی، شهرسازی، گسترش آموزش و پرورش و تحصیلات دانشگاهی و تخصص لازم می دانست. از این رو، اعتقاد داشت با ایجاد واحدهای تولیدی می توان ایجاد کار کرده و بیکاری را از میان برد. در نتیجه، درآمد مردم و در پی آن درآمد ملی افزایش می یافت.